

فارغ التحصیلان حفاظت

محیط زیست در صدر بیکاران

مطابق آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با استناد به آمار فارغ التحصیلان در سال ۹۶، نرخ بیکاری زنان تحصیل کرده دو برابر مردان فارغ التحصیل دانشگاهی است. مطابق این آمار نرخ بیکاری رشته‌ها شامل ۳۷ درصد حفاظت محیط زیست، ۳۲ درصد علوم کامپیوتر، ۲۸ درصد علوم زیستی، ۲۶ درصد علوم طبیعی، ۲۶ درصد معماری، ۲۴ درصد حقوق، ۲۵ درصد صنعت، ۲۳ درصد هنر، ۲۱ درصد مهندسی و ۱۹ درصد علوم اجتماعی است. همچنین نرخ بیکاری زنان ۳۰ درصد و نرخ بیکاری مردان ۱۳ درصد است. همچنین نرخ بیکاری کرمانشاه و چهارمحال و بختیاری بالای ۲۵ درصد است. در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، گیلان، زنجان، کردستان، لرستان، ایلام، اصفهان، خوزستان، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، فارس، سیستان و بلوچستان نرخ بیکاری بین ۲۱ تا ۲۵ درصد و در استان‌های یزد، بوشهر، خراسان رضوی، گلستان، مازندران، البرز، قزوین، همدان و اردبیل کمتر از ۱۴ درصد است.

■ ■ ■

فعال کارگری:

باید برای گرسنگی نیروی کار تدبیری بیاندیشند

وضعیت اقتصادی ناگوار به همراه تعطیلی موقت پادام و واحدهای تولیدی و صنعتی، زندگی مزدبگیران کارگری را بادشواری‌های بسیار مواجه کرده است.

ماز یار گیلانی نژاد، فعال صنفی کارگران فلز کار در این رابطه به ایلنا می‌گوید: کارگران شاغل یا همان‌هایی که هنوز به خبیل عظیم بیکاران نیپیوسته‌اند دارای مشکلات فراوانی هستند که یکی از مهم‌ترین این مشکلات، «طالیات مزدی معوقه» است. وی در ادامه می‌گوید: در حال حاضر صنعت، کشاورزی، دامپروری و باغداری با سیاست‌هایی که مشاوران اقتصادی دولت، به دستور صندوق بین‌المللی پول اجرا کرده‌اند، دچار رکودی بی‌سابقه شده است. گزارش‌های کارگری نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد کارگاه‌های شهرک‌های صنعتی یا کاملاً تعطیل شده‌اند یا ظرفیت تولید را به کمتر از نصف رسانده‌اند. در کشاورزی و دامپروری نیز وضع به همین منوال است. تجمعات مکرر کشاورزان اصفهانی از فرط بی‌آبی و بیکاری، دلیل این مدعاست. این فعال کارگری با تأکید بر اینکه باید برای بیکاری و گرسنگی نیروی کار تدبیری بیاندیشند، اخطار می‌دهد: هجوم کارگران بیکار برای گرفتن بیمه بیکاری در شعب تأمین اجتماعی بی‌سابقه است که همین مساله و ر شکستگی سازمان تأمین اجتماعی را در پی خواهد داشت. گیلانی نژاد ادامه می‌دهد: در این میان سسوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌خواهند گرسنگی و فقر را دعوت به صبر و ریاضت کنند؟ و بی‌ایان اینکه «اعتراض» و «تشکل‌یابی» حق مسلم کارگران است و با اشاره به احکام صادره برای کارگران «هپکو» می‌گوید: کارگرانی که ماه‌ها حقوق نگرفته‌اند، چگونه می‌توانند به تولید ادامه دهند، چگونه امورات زندگی‌شان را بگذرانند، چگونه از این کارگران می‌خواهند که ساکت بمانند و دستمزدها را بپایان «حق بدیهی» آنهاست، مطالبه نکنند؟ یادمان نرود که شرایط اقتصادی به گونه‌ای است که حتی اگر کارفرما هر ماه سر موقع دستمزدها را بپردازد، باز هم نمی‌توان معیشت خانوار را تأمین کرد، پس وای به حال کارگرانی که ماه‌ها حقوق نگرفته‌اند.

■ ■ ■

حدود ۱۰ درصد شاغلان کمتر از یک سال بر سر کار می‌مانند

از مجموع جمعیت شاغل کشور، طول مدت اشتغال حدود ۳ میلیون و ۱۴۶ هزار نفر معادل ۹۲ درصد شاغلان کمتر از یک سال و حدود ۳ میلیون و ۳۱۱ هزار نفر معادل ۱۴۲ درصد بین یک تا سه سال است. به گزارش مهر، یافته‌های آماری مرکز آمار ایران از شاخص «مدت اشتغال در شغل اصلی» نشان می‌دهد، مدت اشتغال در شغل اصلی ۱۷۶ درصد از شاغلان سه تا ۶ سال و مدت اشتغال ۱۵ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال بوده است. نتایج این گزارش آماری حاکی از آن است که بیشترین طول مدت ماندگاری شغلی یک فرد در شغل اصلی بین سه تا ۶ سال است که ۱۷۶ درصد از شاغلان را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین ماندگاری ۱۴۲ درصد از شاغلان در شغل اصلی خود، بین یک تا سه سال و طول مدت اشتغال ۹۲ درصد از شاغلان کمتر از یک سال بوده است. ماندگاری در صد کمی از شاغلان بیش از ۲۵ سال در شغل اصلی بوده است. بر این اساس فقط پنج درصد شاغلان از ۲۵ تا ۳۰ سال در شغل خود ماندگار هستند.

اراده‌ای برای حمایت از فرودستان وجود ندارد

رویکرد دولت غیرحمایتی است



نسرین هزاره مقدم

روحانی در جلسه معارفه چهار وزیر اقتصادی به مجلس مدعی شد که «بر تورم» نداریم و اوضاع اقتصادی کشور تحت کنترل است. این در حالی ست که هم نتایج تحقیقات رسمی داخلی (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس) و هم گزارش‌های نهادهای بین‌المللی از جمله گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول، بر تورم حداقل ۳۰ درصدی تأکید دارند. محاسبات گروه کارگری شورای عالی کار نیز نشان می‌دهد که سبب معیشت خانوارهای کارگری، دچار تورم ۴۸ درصدی است.

مرتضی افقه، اقتصاددان و استاد دانشگاه بر ضرورت «مسئولیت‌پذیری» دولت در این شرایط بحرانی تأکید دارد و بر این باور است که روشی که دولت برای حل مشکلات اقتصادی در پیش گرفته، مخلوطی از سر درگمی و فرافکنی غیرواقع‌بینانه است.

رئیس جمهور در مجلس مدعی شد که ابر تورم نداریم اما در حال حاضر و بر اساس آخرین

تخمین‌ها و محاسبات کارشناسانه، با تورم ۵۰ تا ۶۰ درصدی مواجه هستیم.

تعریف معمول ابر تورم، نرخ تورم بالای ۱۰۰ درصد است. در این فضا آیا دولت می‌تواند ادعا کند که ابر تورم نداردیم؟

آقای روحانی این روزها با صحبت‌هایی که می‌کند و واکنش‌هایی که نشان می‌دهد، در حال از دست دادن سرمایه اجتماعی بین‌المللی پول، بر تورم حداقل ۳۰ درصدی تأکید دارند. محاسبات توضیحاتی که رئیس جمهور در ارتباط با مسائل اقتصادی و معیشتی مردم ارائه می‌دهد، فاصله بسیار زیادی دارد با آنچه که مردم واقعاً لمس می‌کنند. حتی اگر آمار و ارقام نهادهای ذیربط، یک مقدار خوش‌بینانه تنظیم شده باشد باز هم مشخص است که وضعیت اقتصادی بر مدار فاجعه می‌چرخد. در این شرایط، رئیس جمهور باید در صحبت‌هایش، موضع «حمایتی» بگیرد و بپذیرد آنچه را که مردم در زندگی روزمره خود درک می‌کنند. اگرچه هنوز «بر تورم» به آن مفهوم رایج اصطلاحی آن را نداریم،

اما متأسفانه باید اعتراف کنیم که اگر در بحث متغیرهای اقتصادی و همچنین در بحث سیاست خارجی که فعلاً تأثیرگذارترین عامل بر نوسان قیمت‌ها در داخل است، تدبیری اندیشیده نشود، به زودی دچار «ابر تورم» خواهیم شد گرچه همین الان هم در معرض آن هستیم. بنابراین آقای روحانی باید یک مقدار بیشتری احتیاط کند و نباید فراموش کند که مردم به شخص ایشان اعتماد کردند و آن همه رای را به نام ایشان به صندوق‌ها ریختند.

بحث ابر تورم، تورم بالای ۱۰۰ درصد است. مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید هر ده درصد افزایش نرخ ارز، معادل دودرصد افزایش نرخ تورم است. با این حساب ۵۰ تا ۶۰ درصد تورم داریم. آیا عدد دقیق را می‌توان مشخص کرد؟

عدد دقیق را نمی‌توان مشخص کرد. در مورد «ابر تورم» هم قطعاً نمی‌شود گفت تورم بالای ۱۰۰ درصد ابر تورم هست. تعریف ابر تورم تقریباً عرفی ست. تورم از ۴۰ یا ۵۰ درصد که بالاتر می‌رود،

تورم‌های دو دهه گذشته بر اقتصاد و بر زیست معیشتی مردم تحمیل شده، حتی ۳۰ یا ۴۰ درصد تورم را می‌توان «ابر تورم» تلقی کرد.

یعنی معتقدید اگر تورم انباشته گذشته را به اضافه وضعیت تورمی که الان هست در نظر بگیریم و با توجه به اینکه اگر این اعداد را با دستمزد کارگران مقایسه کنیم، متوجه عقب‌ماندگی شدید می‌شویم و اینکه بگوییم یک «ابر تورم» بر اقتصاد تحمیل شده، چندان نادرست نیست.

بله. اطلاق «ابر تورم» به شرایط فعلی کاملاً درست است. وضعیت فعلی را باید یک ابر تورم تلقی کنیم و پیش‌بینی بدتر از اینها را هم در صورتی که متغیرهای اقتصادی و روابط خارجی تغییر نکنند، داشته باشیم. با توجه به ریزش شدید تعداد زیادی از افراد به خصوص افراد متعلق به طبقه کارگر به زیر خط فقر (البته اگر قبلاً بالای خط فقر بوده‌اند) و اضافه شدن آنها به انبوه افرادی که قبلاً به زیر خط فقر سوق داده شده بودند، این اطلاق کاملاً صحیح است. الان بخش زیادی از «طبقه متوسط» هم در حال سقوط به زیر خط فقر هستند. غیر از کارگران، مزدبگیریانی که همواره به صورت عرفی وضعیت معاش بهتری داشته‌اند مثل معلمان و پرستاران هم دارند سقوط می‌کنند.

نرخ ارزی که ظرف شش ماه گذشته به صورت «لجام‌گسیخته» افزایش پیدا کرد، بدون تردید تعداد زیادی از افراد طبقات متوسط را به زیر خط فقر فشار داده و دولت هم به‌رغم وعده‌هایی که داده، تا امروز نتوانسته این کاهش شدید قدرت خرید را جبران کند و در این زمینه دست به عمل جدی بزند.

اصلاً دولت در شرایطی که امروز از منظر سیاست‌گذاری‌ها، جهت‌گیری‌ها و چیدمان اعضا دارد، آیا قادر به انجام کار جدی برای ترمیم قدرت خرید از دست رفته مردم هست؟ حتی جلسه شورای عالی کار برای ترمیم

الان بخش زیادی از طبقه متوسط هم در حال سقوط به زیر خط فقر هستند. غیر از کارگران، مزدبگیریانی که همواره به صورت عرفی وضعیت معاش بهتری داشته‌اند مثل معلمان و پرستاران هم دارند سقوط می‌کنند

دستمزد هنوز بر گزار نشده است.

مشاهدات نشان می‌دهد که دولت در شرایط فعلی کاملاً «سر درگم» است و به نظرم چیدمان نیروهای اقتصادی و حتی چیدمان مجدد این نیروها هم نشان می‌دهد که دولت هیچ اراده‌ای برای حمایت از فرودستان و جلوگیری از سقوط مردم به زیر خط فقر ندارد. قرار دادن بوروکرات‌ها در پست‌های اجتماعی، نشان‌دهنده همین رویکرد غیرحمایتی دولت است. این نشان می‌دهد که دولت برای حل مشکلات معیشتی مردم و به خصوص طبقات محروم که این روزها دچار معضلات جدی شده‌اند، واقعاً «سر درگم» است و یک مقداری هم می‌شود بر اساس انتخاب‌های دولت گفت که مجموعه دولت به این مشکلات «بی‌اعتنا» هستند. پس در جمع‌بندی، صحبت‌های رئیس جمهور در مجلس را می‌توان ترکیبی از بی‌اعتنایی به سرمایه اجتماعی و میزان زیادی از سر درگمی راهبردی به همراه فرافکنی، دانست. رئیس جمهور می‌گوید خدا را شکر که ابر تورم نداریم. او دارد تلاش می‌کند با «گفتار درمانی» تا جایی که می‌تواند دفع‌الوقت کند و برای خود و تیم‌اش تا جایی که امکان دارد، زمان بخرد، در صورتی که اگر به جای این حرف‌ها از افراد مناسب‌تری برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی استفاده می‌کرد، می‌توانست شرایط را تا حدودی بهبود ببخشد.



در راه خواهد بود و اکنون نیز از تعدیل ۱۰۰ هزار کارگر خبر می‌دهند. جمعیت کارگران خودرو ساز و قطعه‌ساز کشور حدود ۸۰۰ هزار نفر است. اگر قرار باشد ۱۰۰ هزار نفر بیکار شوند یعنی یک فاجعه اتفاق افتاده است.

خدایی در پایان به هشدار قبلی خودرو سازان و قطعه‌سازان در ابتدای سال جاری اشاره کرد و گفت: پیش از این نیز کارفرمایان قطعه‌ساز و خودرو ساز هشدار داده بودند که اگر اوضاع به همین منوال پیش برود، تعدیل‌های جمعی

افزود: کارفرمایان نباید برای حل مشکلات خود و جلب حمایت دولت، با کارگر به مثابه «گروگان» برخورد کنند و هر جا که موضوع ورود کنند و ضمن بررسی جوانب امر، مقابل این فاجعه کارگری بایستند. دولت

به گفته خدایی، در اوضاع مغشوش فعلی، کارگران تبدیل به آسیب‌پذیرترین بخش اقتصاد شده‌اند.

وی می‌افزاید: کارگران نه تنها مجبورند بار ناتوانی معیشتی و مشکلات ناشی از کمبود دستمزد را بر دوش بکشند بلکه هر از چندگاه باید شاهد تعدیل‌های گروهی یا تهدید به تعدیل‌های گروهی باشند. این یعنی کارفرمایان در عزا و عروسی، اول کارگر را قربانی می‌کنند.

حتی باز زمانی تعدیل‌ها نیز مشخص نیست لذا هم وزارت صنعت و هم وزارت کار به عنوان متولی اصلی امور کارگران، باید به موضوع ورود کنند و ضمن بررسی جوانب امر، مقابل این فاجعه کارگری بایستند. دولت نباید اجازه دهد کارفرمایان به همین سادگی از تعدیل‌های چند ده هزار نفری سخن بگویند و موضوع را به مشکلات حل نشده و عدم حمایت دولت، حواله بدهند. وی تأکید می‌کند: انتشار این گونه اخبار، فقط و فقط باعث نگرانی شدید کارگران می‌شود و اوضاع را برای آنها سخت‌تر می‌کند. این فعال کارگری با بیان اینکه دیگر گروگان‌گیری را کارگر برای رسیدن به مقاصد کارفرما تقریباً تبدیل به یک «رسم» شده،

عضو کارگری شورای عالی کار می‌گوید: رویکرد خودروسازها و قطعه‌سازها به کارگران، این‌نگرانی را به ذهن متبادر می‌کند که کارگر «گروگان» کارفرماست. به گزارش ایلنا، در روزهای گذشته، دبیر انجمن قطعه‌سازان کشور در گفت‌وگو با رسانه‌ها از تعدیل ۱۰۰ هزار کارگر قطعه‌ساز خبر داد و گفت: اگر اوضاع بهبود نیابد، حجم بیکاری در این صنعت افزایش بیشتری خواهد داشت.

علی خدایی، عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با اشاره به این‌خبر می‌گوید: باید دقیق مشخص شود که ۱۰۰ هزار کارگر در کدام بخش‌ها کار می‌کرده‌اند و به چه دلیل تعدیل شده‌اند.

عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار پیشنهاد کرد:

واریز کمک جبرانی دولت به حساب سرپرستان خانوار

یک مقام مسئول کارگری با اشاره به افزایش نرخ ارز و درآمدهای دولت ابراز امیدواری کرد که ترمیم حقوق و دستمزد کارگران، کارمندان و بازنشستگان به جریان بیفتد. او پیشنهاد کرد کمک جبرانی دولت به کارگران به حساب یارانه آنان واریز شود. علی‌اصلاحی در گفت‌وگو با ایسنا، با

اشاره به کمک جبرانی دولت به کارمندان و بازنشستگان، گفت: اینکه دولت در شرایط حاضر که خط فقر و تورم افزایش یافته است، کمک خرجی برای کارمندان و بازنشستگان در نظر گرفته جای امیدواری است و انتظار داریم که این کمک جبرانی را برای کارگران هم که عمدتاً حداقل‌گیرند

ترمیم حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان و بازنشستگان به جریان بیفتد. اصلاحی پیشنهاد کرد دولت به جای دادن سید کالا به خانوارهای کارگری، مبلغی را به عنوان کمک خرجی به حساب یارانه آنها واریز کند. وی همچنین با ابراز خرسندی از برگزاری جلسه شورای عالی کار در هفته آینده، گفت: آقای شریعتمداری در اولین روز کاری خود بلافاصله با تشکل‌های کارگری و کارفرمایی جلسه تریب‌داد تانشان بدهد که به تشکل‌ها اهمیت می‌دهد و علاقمند شنیدن صدای آنها است.

و حقوق آنها بیشتر از یک میلیون تومان نیست، پرداخت کنند. وی با اشاره به جامعه هدف دولت برای پرداخت کمک جبرانی گفت: پرداخت این کمک جبرانی به حقوق‌بگیران و کارمندان با حقوق زیر سه میلیون تومان است و نشان می‌دهد که با شرایط امروز اقتصاد قدرت خرید مردم به قدری تنزل یافته و وضع معیشت به حدی دشوار شده که دریافتی سه میلیون تومان مشمول دریافت کمک خرجی قرار می‌گیرد. عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار گفت: با توجه به افزایش نرخ ارز و درآمدهای دولت امیدواریم